

فصلنامه علمی پژوهشی کاوش‌نامه

سال دهم (۱۳۸۸)، شماره ۱۹

بررسی نقش‌های معنایی جملات پرسشی و امری در قصاید خاقانی*

چنور کاردانی

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان

دکتر تیمور مالمیر

دانشیار دانشگاه کردستان

چکیده

قصاید خاقانی حاوی مضامین متعددی چون مدح، تنقیح و موعظه و پند است که در برخی جنبه‌ها ممکن است با هم متضاد به نظر برسند؛ اما مسلّم است گوینده واحد، آن هم گوینده‌ای دقیق و ماهر چون خاقانی، دارای اندیشه واحد و منسجم است و میان زبان و اندیشه او پیوند تام وجود دارد، برای دستیابی به کیفیت این پیوند، با توجه به اهمیتی که جمله در دانش معانی دارد، جملات انشایی قصاید خاقانی مورد بررسی قرار گرفته است. انتخاب جمله انشایی از آن جهت است که در آن احتمال صدق و کذب وجود ندارد، چون جمله انشایی از مسأله یا حادثه‌ای بیرونی خبر نمی‌دهد، بلکه بیانگر اندیشه و قصد و غرض گوینده است. جمله‌های انشایی شامل پرسش، امر و نهی بر اساس دو مقوله دستوری و معنایی استخراج شده است. مواردی که جمله‌های انشایی در معنی اصلی خود به کار رفته بسیار کم و معدود است، در عوض مواردی که این جملات در معنی ثانوی خود به کار رفته است، چند برابر است؛ بدین سبب بر اساس نقش‌های معنایی که گوینده از این جملات در بافت ابیات لحاظ کرده، است آنها ذیل مقولات معنایی طبقه‌بندی شده‌اند و بر اساس جدول‌های آماری مقولات معنایی، بسامد این مقولات توجیه و تحلیل شده‌اند تا شیوه و قصد خاقانی از سرودن مضامین متعدد روشن شود.

واژگان کلیدی: خاقانی، جمله، قصیده، معانی

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۸/۶/۳۰

* تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۱۱/۲۶

نشانی پست الکترونیکی نویسنده: timoormalmir@gmail.com

مقدمه

خاقانی شروانی شاعری است که به سبب استفاده از دانش‌های گوناگون و اصطلاحات علمی در اشعارش، بر صلابت و فخامت کلام افزوده است. آثار تحقیقی هم که درباره وی منتشر شده عمدتاً به شرح و گزارش و تبیین اصطلاحات علمی و دشواری‌های اشعارش پرداخته است. استفاده زیاد از دانش‌های گوناگون در اشعار وی، باعث پیچیدگی کلام و رمیدگی خواننده می‌گردد با این همه، شعر خاقانی خوانندگان بسیار داشته و در کلام شاعران پس از خود بسیار مؤثر بوده است. برخی قصاید خاقانی در مدح و منقبت بزرگان دین یا در مورد مسائل دینی نظیر حج و کعبه است لیکن عمده قصاید وی در مدح و ستایش امیران و شاهان و بزرگان عصر است. خاقانی با آنکه قصاید مدحی گفته است لیکن یادکرد وی از معانی و مضامین زهد آمیز و پند و وعظ، به گونه‌ای است که این مضامین را برتر از آن نشان می‌دهد به همین سبب است که خود را از عنصری برتر می‌شمارد؛ زیرا عنصری یکسره به مدح پرداخته است. (خاقانی، ۱۳۶۸، ص ۹۲۶) با توجه به این روحیه خاقانی باید دید شیوه و قصد او در قصاید چگونه است و در مدح چه دیدگاهی نسبت به ممدوحان دارد و قصد و غرض او از مدح دیگران چیست؟ با توجه به اینکه بیشتر قصاید خاقانی در مدح است و البته مدیحه‌های او نیز برای دریافت پاداش و صله است، استفاده وی از دانش‌های عصر در عین لزوم رساندن مفهوم به دیگری چگونه است؟ همچنین شاعر ماهر چون وی که در حفظ غرور خویش از هیچ کوششی دریغ نکرده، درخواست‌های خود را از ممدوحان به چه صورت مطرح کرده است آیا از بیان مستقیم برای رساندن درخواست پاداش استفاده کرده یا غیر مستقیم؟ خواننده در برخورد اول با دیوان خاقانی در می‌یابد که جمله‌های پرسشی خاقانی به نسبت سایر جمله‌ها کثرت قابل توجهی دارد؛ ممکن است با توجه به این کثرت و قالب قصیده، چنین تصور شود که این پرسش‌ها در معنی اصلی خود به کار رفته و قصد عمده شاعر درخواست صله و پاداش بوده است. همچنین لازم است روشن شود خاقانی در قصایدی که به ستایش و منقبت پرداخته به

چه صورت عمل کرده است؟ آیا به بیان اخبار و روایت‌های مشهور بسنده کرده یا احساس خود را متجلی ساخته است؟ و در مواردی که به پند و اندرز و موعظه روی آورده از چه نوع جمله‌هایی استفاده کرده؟ آیا به روش عادی و معمولی به امر و نهی پرداخته یا موعظه و پند او برای تأثیر بیشتر به صورت غیر مستقیم است؟ همچنین وجود جمله‌های امر و نهی در قصیده‌های خاقانی، آن هم با بسامدی که دارند، شگفت‌آور است، بررسی نقش‌های معنایی آنها نیز برای شناخت خاقانی و هدف قصیده‌سرایی او مفید است. با بررسی نقش‌های معنایی جملات انشایی، کیفیت پیوند زبان و اندیشه خاقانی و هدف شاعری او روشن می‌شود. بدین منظور، با توجه به دانش معانی در بلاغت اسلامی و اهمیتی که معنی ثانوی جملات در دانش معانی دارد (رجائی، ۱۳۷۲، ص ۲۱) جملات انشایی قصاید خاقانی بررسی گردیده است.

در غالب زبانها جمله را به چهار نوع خبری، پرسشی، امری و تعجبی تقسیم می‌کنند. تقسیم جمله‌های زبان به خبری، پرسشی، امری و تعجبی به عنوان مقوله‌های دستوری به ترتیب برای بیان مقوله‌های خبر، سؤال، فرمان و تعجب است؛ اما در کاربرد روزانه زبان، چه در گفتار و چه در نوشتار، ممکن است صورت دستوری جمله با نقش معنایی و منظوری آن مطابقت نداشته باشد (رحیمیان، ۱۳۸۱، ص ۱۷) مثل اینکه جمله پرسشی را برای بیان امر و فرمان به کار ببریم یا از جمله امری برای بیان معنای توبیخ یا نهی استفاده کنیم. دستور زبان، متولی بررسی مقوله‌های اصلی یا معنی اصلی جمله است و دانش معانی، متولی بررسی مقوله‌های معنایی و منظوری جمله یا معنی ثانوی جملات است. (شمیسا، ۱۳۷۳، صص ۲۶-۲۴) در دانش معانی، جمله را بر اساس قابلیت یا عدم قابلیت صدق و کذب، به دو نوع خبری و انشایی تقسیم می‌کنند. (رجائی، ۱۳۷۲، صص ۲۴-۲۳) «خبر جمله‌ای است که بتوان در صدق و کذب آن سخن گفت و آن را اثبات و رد کرد. مثل قوانین علمی که زمانی با براهین متعدد اثبات و گاهی نیز مردود شده‌اند؛ اما، انشاء، جمله‌ای است که نمی‌توان درباره صدق و کذب آن سخن گفت، زیرا به واقعیت‌های جاری مربوط نمی‌شود، مضمون جمله‌های انشایی

مواردی از قبیل امر، نهی، درخواست، آرزو، تشویق، تأثر و ... است» (شمیسا، ۱۳۷۹، ص ۱۴۵) وجود جملات خبری چون قابل صدق و کذب هستند در قصاید مدحی بدیهی است و عمدتاً بر اساس همین جملات، قصاید مدحی یا شاعران مداح را ارزیابی می‌کرده‌اند، زیرا شاعر مداح با آوردن خبر یا نسبت دادن کاری غیر واقعی به ممدوح، ممکن بود برای دریافت پاداش یا مواردی دیگر از حدّ و درجه انسانی تنزل کند یا آنکه شاعری واقع‌گرا صرفاً با آوردن ویژگی‌های واقعی ممدوح به بیان دستاوردها و افتخارات او بپردازد یا چنین الفاء کند که آنچه درباره ممدوح می‌سراید عیناً بیان واقع است و گزافی در کار نیست. این معضل نشان می‌دهد بررسی جمله‌های خبری برای دریافت میزان واقع‌گرایی شاعر لغزنده است، اما جمله انشایی از آنجاکه احتمال صدق و کذب در مورد آن وجود ندارد، بیشتر بیانگر اندیشه شاعر است و قصد و غرض او را از سرودن شعر مدحی بیشتر روشن می‌سازد، زیرا هم بیان اندیشه شاعر است هم نوع رابطه شاعر با ممدوح را روشن می‌سازد. وجود جمله‌های امر و نهی در بیان موعظه و اندرز، شکل رایج آن است؛ اما ممکن است شاعر برای تأثیر بهتر و بیشتر، از قالب رایج آن کمتر استفاده کند، بنا بر این، بررسی جمله‌های انشایی برای دریافت روش بیان و میزان تأثیر سخن خاقانی بر مخاطب ضروری است. جملات انشایی شامل جمله‌های امر، نهی، پرسش و تعجب است لیکن با توجه به هدف این پژوهش فقط جمله‌های امر و نهی و پرسش را در قصاید خاقانی بررسی کرده‌ایم. ابتدا جمله‌های پرسشی را استخراج کرده‌ایم آنگاه آنها را با توجه به کاربردی که در ساختار بیت دارند به دو دسته تقسیم کرده‌ایم، یک دسته پرسش در معنی اصلی خود به کار رفته است؛ و دسته دیگر، جمله پرسشی در مفهومی غیر از پرسش به کار رفته است بعد از آن، به استخراج جمله‌های امر و نهی پرداخته‌ایم و همچنان آنها را نیز به دو دسته تقسیم کرده‌ایم: مواردی که جمله در معنی دیگری غیر از مقوله دستوری خود به کار رفته است با توجه به معنی ثانوی جملات در دانش معانی، در مقوله‌های معنایی خاص گنجانده‌ایم تا بتوانیم با این طبقه‌بندی، چگونگی استفاده خاقانی از جمله‌های انشایی را دریابیم.

برای رعایت اختصار ذیل هر مقوله معنایی یک بیت نقل کرده‌ایم و به باقی موارد ارجاع داده‌ایم، ارجاعات مذکور با ذکر شماره قصیده (در سمت راست) و شماره بیت (در سمت چپ خط کج) بر اساس دیوان خاقانی ویراسته کزازی صورت گرفته است.

۲- جملات پرسشی

۱-۲- مواردی که جمله پرسشی در معنی اصلی خود به کار رفته است، مانند:

گفتم: «گلوی دیو طبیعت توان برید؟»

گفتا: «توان، اگر ز شریعت کنی حسام»

(۴۵/۶۸)

موارد دیگر: ۲۹/۲۱، ۱۲/۶، ۲۸/۳۵، ۲۷/۱۲۰، ۴۴/۶۸، ۲/۶۰، ۴۳/۶۸، ۵۸/۷۰، ۱۶/۴۸، ۱۳/۳۲، ۳۰/۳۸، ۱/۴۱، ۸/۴۱، ۱۲/۴۵، ۴۶/۶۸، ۴۷/۶۸، ۴۸/۶۸، ۴۹/۶۸، ۴۹/۷۱، ۴۸/۷۱، ۱۰/۸۴، ۴۴/۹۴، ۱۵/۱۱۷، ۶۵/۱۱۹.

۲-۲- مواردی که جملات پرسشی در معنایی غیر از پرسش به کار رفته است:

۱- اخبار به طریق غیرمستقیم

جز دعوتِ شبِ مرا چه چاره؟

هان! ای دَعَوَاتِ نِیْمِشَبِّ هان!

(۴۳/۹۵)

موارد دیگر: ۲۶/۴۵، ۳۳/۱۲۸، ۱۱/۴۱، ۴۳/۹۵، ۴/۹۷، ۱۹/۱۰۷.

۲- امر به طریق غیرمستقیم

مرا پای بسته است خاقانی! اینجا

چرا عزم رفتن مصمم ندارم؟

(۲۴/۷۴)

موارد دیگر: ۱۲/۸۰، ۲۲/۱۲۴، ۳۰/۱۲۳، ۱۳/۳، ۶۹/۱۲۱، ۲۳/۹۰، ۲۷/۹۰، ۲۹/۹۰.

۱۴/۱۰۳، ۱۸/۹۷، ۵۷/۹۲، ۳۵/۹۱

۳- تشویق

مُلکِ خراسان به تیغِ بازستانی، ز عُز؛

پس چه کنی، درنیام، گنجِ ظفرِ مُکَتَّم؟

(۶۸/۸۵)

موارد دیگر: ۱۹/۱۴، ۷/۴، ۵۶/۱۳، ۲۱/۲۱، ۲۷/۲۱، ۲۸/۲۱، ۶۸/۸۵، ۶۹/۸۵، ۷۰/۸۵،

۵۹/۹۲، ۱۹/۱۴.

۴- نهی

آن خویشی، چندگویی؟ «کآن اویم، آن اوی؟»

باش، تا او گوید از خود: «کآن مایی، آن ما»

(۴/۱)

موارد دیگر: ۹/۴۲، ۱۱/۵۱، ۶۷/۳۲، ۷۰/۳، ۲۴/۱۱۵، ۴۱/۳۲، ۴/۹۲، ۲۹/۹، ۳۶/۳،

۳۸/۳، ۴/۱۱، ۱۷/۲۷ و ۴/۲۹، ۳۴ و ۳۳/۸، ۶۹/۱۰، ۶۴/۲۲، ۳۲/۲۲، ۵۷/۲۲، ۱۰۵/۲۲،

۱۰۸/۲۲، ۱/۲۴، ۲/۲۴، ۱۹/۲۶، ۶۰/۳۲، ۶۶/۳۲، ۴۴/۳۳، ۸۶/۶۰، ۱۷/۴۱، ۲۰/۴۱،

۲۲/۴۱، ۲۳/۴۱، ۲۶/۴۱، ۳/۴۲، ۸/۴۲، ۲۶/۴۳، ۲۰/۴۵، ۵۷/۵۱، ۷۰/۵۳، ۱۹۶/۵۷،

۷۷/۶۲، ۵۲/۶۵، ۳۱/۶۶، ۴۰/۶۶، ۱۷/۶۷، ۳۸/۶۷، ۱۱/۶۸، ۱۹/۶۹، ۲۹/۷۷، ۶۱/۷۷،

۵۷/۷۸، ۷۳/۸۴، ۱۸/۸۷، ۳۸/۸۷، ۵۴/۸۹، ۲۲/۹۱، ۱۳/۹۱، ۶۷/۹۴، ۱۰/۱۰۱، ۱۲/۱۰۳،

۶/۱۰۵، ۱۸/۱۰۸، ۹/۱۰۹، ۱۰/۱۰۹، ۹۴/۱۱۸، ۲۹/۱۱۹، ۳۳۳/۱۱۹، ۳۵/۱۱۹، ۳۶/۱۱۹،

۳۶/۱۲۳، ۱۰۶/۲۲، ۱۱۴/۴۳، ۱۱۶/۴۳، ۱۱۷/۴۳، ۴/۴۹، ۳۰/۶۶، ۵/۷۶، ۱۲/۸۴، ۱۹/۸۴،

۲۵/۸۴، ۱۰/۸۶، ۵۸/۱۰۵، ۱۰/۸۱، ۱۴/۸۱، ۱۶/۸۱، ۱۹/۸۱، ۲۵/۸۱، ۲۸/۸۱، ۳۲/۸۱،

۳۹/۸۱، ۴۰/۸۱، ۴۱/۸۱، ۴۵/۸۱، ۵۳ و ۵۲/۸۱، ۵۶/۸۱، ۷۰ و ۶۹/۸۱.

۵- نفی مطلق

بویِ راحت چون توان برد از مزاجِ این دیار؟

نوشدارو چون توان جست از دهانِ اژدها؟

(۳۰/۱)

موارد دیگر: ۲۱/۶۰، ۲۵/۴۹، ۲۷/۳۰، ۱۸/۹۴، ۱۷/۹۴، ۱۰/۸، ۱۱/۸، ۶۷/۱۲۳، ۱۳/۱۲۴، ۱۵/۱۲۴، ۷۱/۱۲۴، ۱۱۶/۱۲۴، ۹/۱۲۶، ۶/۱۲۸، ۲۴/۱۲۸، ۶۶/۱۲۸، ۲۳/۱۳۰، ۱۹/۱، ۳۲/۴، ۷/۲۴، ۷۰/۸۹، ۳۵/۱۲۳، ۹/۱۲۸، ۱۱۵/۱۲۴.

۶- توییخ و ملامت و سرزنش

تا کی ازخامی و خازنی احکام خطا؟

کاین خطا را خطِ بطلان به خراسان یابم

(۶۶/۷۲)

موارد دیگر: ۳۲/۵۸، ۲۲/۱۲۴، ۱۶/۶۰، ۲۷/۷۷، ۲۸/۷۷، ۳۷/۷۷، ۴۳/۷۷، ۷۸/۵۷، ۱۱/۲۲، ۱۳/۳، ۶/۶۷، ۱۶/۶۷، ۱۲/۸۸، ۱۶/۸۸، ۸/۹۲، ۲۹/۹۲، ۳۵/۹۲، ۵۰/۹۲، ۸/۹۸، ۱۲/۹۸، ۱۳/۹۸، ۱۴/۹۸، ۲۰/۹۹، ۴۵/۱۰۱، ۱۰/۱۲۱، ۸/۱۳۰، ۲۲/۱۳۰، ۲۴/۱۳۰، ۲۷/۱۳۰، ۳۱/۳۲، ۶۰/۴۸، ۳۷/۷۸، ۴۶/۸۰، ۴۶/۸۲، ۱۷/۸۸، ۲/۱۱۹، ۷۳/۱۱۹، ۵۰/۱۲۱.

۷- استفهام انکاری

پس از چندین چله، در عهد سی سال

شوم، پنجاهه گیرم آشکارا؟

(۳۱/۸)

موارد دیگر: ۳۱/۳، ۶۴/۹۳، ۵۹/۳۲، ۷۴/۸، ۲/۹، ۶۷/۴، ۶۶/۸، ۶۶/۴، ۱۴/۴، ۵۹/۷، ۶۷/۸، ۲۶/۸، ۳۳/۸، ۷۴/۸، ۶۴/۱۳، ۱۳/۱۸، ۳/۲۲، ۸۴/۲۲، ۴۹/۳۰، ۲۰/۳۵، ۱۳۰/۴۳، ۱۳۱/۴۳، ۱۳۲/۴۳، ۱۳۳/۴۳، ۴/۴۷، ۳۷/۵۵، ۸۱/۵۷، ۸۹/۵۷، ۵۵/۶۳، ۵۹/۶۴، ۷۷/۷۲، ۸۲/۷۲، ۵۰/۷۷، ۵۶/۷۷، ۴۵/۷۸، ۵۲/۷۸، ۵۵/۷۸، ۱۷/۹۰، ۸/۹۱، ۱۱/۹۱، ۲۶/۹۲، ۷۴/۹۲، ۳۴/۱۰۱، ۴۵/۱۰۳، ۱۳/۱۰۴، ۵۸/۱۲۸، ۱۴/۴، ۶۱/۷، ۲/۹، ۴۸/۱۱، ۲۴/۱۶، ۱۰/۳۲، ۵۱/۷۸، ۹۵/۹۴، ۱۲/۸۱، ۳۵/۸۱، ۴۲/۸۱، ۴۴/۸۱، ۴۸/۸۱، ۵۰/۸۱، ۵۱/۸۱، ۵۴/۸۱، ۵۵/۸۱، ۵۹/۸۱، ۶۵/۸۱.

۸- استفهام تقریری

نه شرر باشد به زیر و دود بالا؟ پس چراست،

دود در زیر و شرر بالای آن انگیخته؟

(۴۴/۱۱۴)

موارد دیگر: ۸/۴، ۳۸/۱۰۳، ۳۴/۱۲۶، ۷۸/۱۲۴، ۲۲/۱۰۳، ۷۷/۶۵، ۴/۴۹، ۱۰۳/۶۲، ۵۱/۴، ۸۲/۲۲، ۱۰۹/۲۲، ۱۰/۵، ۱۱۰/۲۲، ۳۴/۳۰، ۱۰/۴۴، ۵۶/۵۱، ۳۱/۵۶، ۷۸/۷۲، ۲۵/۱۲۲، ۲/۸، ۵۰/۳۰، ۵۱/۳۰، ۴/۴۹، ۱۸۳/۵۷، ۱۸۸/۵۷، ۵۸/۵۸، ۹۲/۶۳، ۴/۶۵، ۱۰۱/۶۵، ۱۰۵/۶۵، ۲۵/۷۶، ۸/۸۵، ۲۸/۸۹، ۵۱/۸۹، ۵۲/۸۹، ۳۳/۱۰۱، ۱/۱۰۷، ۴۴/۱۱۴.

۹- بیان عجز و ناتوانی

من کیم، باری که گویم: «زآفرینش برترم»؟

کافرم، گر هست تاج آفرینش بر سرم

(۲۳/۷۹)

موارد دیگر: ۳۳/۸۰، ۱۸/۱۰۵، ۲۸/۳۵، ۸۸/۱۲۸، ۱/۸۱، ۲/۸۱، ۳/۸۱، ۴/۸۱، ۵/۸۱، ۹/۸۱، ۱۱/۸۱، ۱۳/۸۱، ۱۵/۸۱، ۲۳/۸۱، ۲۴/۸۱، ۲۷/۸۱، ۲۹/۸۱، ۳۰/۸۱، ۳۱/۸۱، ۳۳/۸۱، ۳۴/۸۱، ۳۷/۸۱، ۳۸/۸۱، ۴۳/۸۱، ۴۹/۸۱، ۶۷/۸۱، ۶۷/۸۱، ۷۳/۸۱، ۴۶/۸۱، ۴۷/۸۱، ۷۱/۸۱، ۷۲/۸۱.

۱۰- تمنا و آرزو

خستی دل خاقانی و روزیش نپرسی

کای خسته پیکان من! آخرتو کجایی؟

(۴۸/۱۳۰)

موارد دیگر: ۲۰/۴۴، ۷۵/۷۷، ۳۶/۷۸، ۴۵/۱۳۰، ۴۶/۱۳۰، ۴۸/۱۳۰، ۶۶/۸۱.

۱۱- طنز و مسخره و تحقیر

وصل ندیده به خواب، فرض کنی خوشدلی؟!

بر سرِ خوانِ تهی، کس نکند آفرین

(۱۱/۱۰۳)

—وارد دیگر: ۲۳/۴۹، ۵۷/۷۰، ۱۹/۸۷، ۴۷/۱۰۱، ۴۷/۱۲۳، ۴۰/۱۰۵، ۴۷/۱۱۸، ۹۵/۱۱۸، ۱۹/۱۲۳، ۲۴/۱۲۳، ۶۳/۱۲۳، ۱۷/۱۲۵، ۴/۲۴، ۶/۴۲، ۷/۴۲، ۱۷/۴۹، ۱۰۷/۶۵، ۱۳/۶۷، ۹۰/۹۵، ۲۳/۱۲۶، ۱۱/۱۳۰، ۱۳/۹۷.

۱۲- بیان عظمت و تعظیم

نور پیغمبرش همی خواند

یاش سایهٔ اله می گوید؟

(۷/۵۰)

موارد دیگر: ۲۳/۱۲۳، ۱۳۹/۴۳، ۴/۲۷، ۳/۲۷، ۵/۲۷، ۶/۲۷، ۷/۲۷، ۱۲/۵۴، ۵۲/۸۶، ۱۰/۹۱، ۱۰۵/۹۵، ۳/۱۰۳، ۶۶/۱۱۷.

۱۳- بیان تعجب و حیرت

نُقلِ خاص آورده‌ام ز آنجا و یاران بیخبر

کاین چه میوه است از کدامین بوستان آورده‌ام؟

(۳۷/۷۰)

—وارد دیگر: ۷/۵۸، ۷/۵۱، ۵/۸، ۶/۱۳، ۱۳/۸، ۳/۲۳، ۹/۳۳، ۱۵/۴۵، ۱۶/۴۵، ۱۱۹/۵۷، ۳/۵۸، ۲۹/۶۲، ۴۴/۶۴، ۲۰/۷۲، ۱۰۳/۹۵، ۸/۹۷، ۲۳/۱۰۳، ۱۷/۱۰۷، ۵۸/۱۱۴، ۶۴/۱۱۴، ۲۳/۱۱۵، ۶۱/۱۱۹، ۲/۱۲۵، ۲۵/۴۸، ۶/۶۲، ۳۶/۱۲۸.

۱۴- بیان کثرت

نی؛ نی؛ از بسخت، شکرها دارم؛

چند شکوی که: «شوگ بی ثمر است»؟

(۹۱/۲۲)

موارد دیگر: ۵۲/۵۷، ۸۸/۶۵، ۲۳/۷۲، ۲۲/۸۹، ۳/۱۰۱.

۱۵- اثبات عقیده خود و بطلان عقیدهٔ مخاطب

گفتم: بدیدی آخرِ رایاتِ کُهِفِ امّت؟

و آن مهدِ جانِ مَهْدی، چترِ فلکِ ظلالش

(۱۱/۶۴)

موارد دیگر: ۱۵/۵۸، ۱۲/۶۴.

۱۶- اظهار یأس

با که گیرم انس؟ کز اهل وفا بی‌روزم

روزی من نیست؛ یا خود نیست در عالم، وفا

(۲۳/۱)

موارد دیگر: ۷۰/۷۵، ۲۴/۷۶، ۵۵/۹۲، ۴۹/۱۱، ۸۰/۳۷، ۷۳/۹۲، ۸/۱۰۷، ۱۷/۸۱،

۱۸/۸۱، ۲۲ و ۲۰/۸۱، ۳۶/۸۱، ۵۶/۸۱، ۶۰/۸۱ الی ۶۴.

۱۷- اظهار امیدواری

مرا دل گفت: «گنج فقرداری در جهان منگر؛

نَعیمِ مصر دیده کس، چه باید قحطِ کنعانش؟!»

(۵۰/۶۱ نیز ۴۵/۹۱)

۱۸- اغراق و مبالغه

از پی خونِ خَسان، تیغ چه باید کشید

چون ملکُ الموت هست در کفِ رایت رهین؟

(۳۳/۱۰۳)

موارد دیگر: ۱/۸۴، ۶۱/۱۲۳، ۵۳/۳۷، ۷/۸۴، ۱۸/۸۹، ۱۹/۸۹، ۴۶/۹۲، ۸۷/۱۲۳، ۵۲/۲،

۷۴/۱۲۸، ۲۶/۶۲، ۱/۷۱، ۴۳/۱۳، ۱۲/۲۰، ۶۳/۲۲، ۹۹/۵۷، ۱۵۱/۵۷، ۲۹/۵۸، ۵۴/۵۸،

۲۴/۶۱، ۴۴/۶۱، ۳۴/۶۴، ۱۶/۱۱۴، ۲۱/۳۰، ۱۴/۶۷.

۱۹- مشروط

روز، ارنه تیغ خسرو مازندان شده است،

چون بشکند نهالِ ستم، یا برافکند؟

(۷۷/۴۳)

و موارد دیگر ۱۳/۴۲، ۱۳/۹۱.

۲۰- تنبّه و عبرت

نه بر سنجر شبیخون بُرد ز اوّل گورخان و آخر

شبیخون کرد اجل تا گورخانه شد شبستانش؟

(۱۰۳/۶۵)

موارد دیگر: ۲۰/۳، ۲۲/۱۰۱، ۲۷/۳، ۶۴/۵۸، ۶۷/۵۸، ۶۸/۵۸، ۵۵/۶۱، ۷۱/۸، ۲۰/۶۷،

۲۶/۸۱.

۲۱- برای تأکید و تقریر خبر و جلب توجه

صبح آخر دیده‌ای؟ بختم چنان شد پرده در

صبح اول دیده‌ای؟ روزم چنان شد کم بقا

(۳۲/۱)

موارد دیگر: ۲۶/۴۱، ۱۹/۱۰۵، ۲/۹۸، ۳۸/۸۲، ۳۰/۹۷، ۵۰/۷۰، ۳۶/۴۵، ۳۰/۳، ۶۲/۸،

۶۰/۸، ۶۳/۸، ۲۰/۲۱، ۵۶/۲۲، ۵۸/۲۲، ۸/۳۶، ۴۱/۳۹، ۹۰/۴۰، ۴۳/۴۸، ۶/۴۹، ۱/۵۱،

۵۷/۵۶، ۱۰/۵۷، ۱۱/۵۷، ۷۴/۵۷، ۸۷/۶۵، ۱۵/۷۵، ۵۹/۷۷، ۵/۸۳، ۲۶/۸۳، ۱۶/۸۶،

۱۶/۹۷، ۳۱/۹۷، ۱/۹۸، ۷/۱۰۱، ۱۵/۱۰۸، ۲۰/۱۰۸، ۱۰۶/۱۱۴، ۳۳/۱۱۵، ۳/۱۱۹،

۶۷/۱۲۱، ۳۲/۱۲۳، ۱۶/۱۲۶، ۵۵/۱۲۴، ۴/۱۲۸، ۴۷/۱۲۸، ۱۰/۳۳، ۵۰/۷۸.

۲۲- دریغ و افسوس

کو صدر افاضل، شرف گوهر آدم؟

کو کافی دین واسطه گوهر آنساب؟

(۳۴/۱۶)

موارد دیگر: ۳۳/۱۶، ۲۹/۶۷، ۴۹/۱۱، ۳۴/۶۷، ۳۳/۷۸، ۱/۶۰، ۵۷/۷۸، ۸/۱۱۹، ۷/۱۲۲،

۹/۱۲۲، ۱۰/۱۲۲، ۱۲/۱۲۲، ۱۳/۱۲۲، ۱۴/۱۲۲، ۱۵/۱۲۲، ۲۴/۱۲۲، ۲۰/۱۲۷، ۵۱/۹۳.

۲۳- بلاتکلیفی

کجا گریزم؟ سوی عراق یا اران؟

کجا روم، سوی بخارا یا به باب الباب؟

(۷۶/۱۵ و بیت ۷۷)

۲۴- تجاهل مفید اغراق

می و مشک است که با صبح برآمخته‌اند؛

یا به هم زلف و لب یار در آمیخته‌اند؟

(۱/۳۷)

موارد دیگر: ۱۲/۳۴، ۱/۳۷، ۹۵/۳۸، ۳۱/۴۰، ۱/۸۹، ۵۴/۱۱۵، ۳۸/۱۱۷.

۲۵- منافات و استبعاد

جرم زشاگرد؛ پس، عتاب بر استاد!

اینست بداستاد، از اصدقای صفاهان!

(۵۸/۸۹)

موارد دیگر: ۱۵/۵، ۳۷/۹۶، ۳۲/۵۷، ۸۳/۱۲۳، ۱۷/۱۲۲، ۲/۹، ۱۵/۱۴، ۹۳/۶۳، ۱۸/۶۹، ۷۶/۷۲، ۷۵/۷۲، ۱۳/۹۲، ۱۹/۹۲، ۱۸/۹۹، ۱۹/۹۹، ۱۷/۱۱۱، ۱۵/۱۲۳، ۱۳/۱۶، ۲۳/۱۶، ۴۹/۸۵، ۵۹/۸۹، ۴۴/۱۰۲، ۳۹/۱۰۳، ۶۰/۱۱۳.

۲۶- جواب شرط

گر آن کیخسرو ایران و تور است

چرا بیژن شد این در چاه یلدا؟

(۱۲/۸)

موارد دیگر: ۷۵/۱۰، ۲۷/۸۵.

۲۷- اعتراض و سرکشی

هیچ نکرده گناه، تا کی باشم - بگوی

خسته هر ناحفاظ، بسته هر ناسزا؟

(۵۵/۱۱)

۲۸- فخر و مباهات

کدام علم کز آن عقل من نیافت اثر؟

بیازمای مرا، تا بینی آثارم

(۴۲/۷۶)

موارد دیگر: ۸۰/۷۲، ۳۳/۱۰۱، ۴۸/۱۰۱، ۱۰/۱۰۷، ۷/۱۱۹.

۲۹- تحذیر

نه عیسی راست از یاران کمینه سوزنی در بر؟

نه سوزن شبه دجال است یک‌چشم و صفاهانی؟

۷/۱۳۰ و ۵۵/۱۲۸

۳- جملات امری

۳-۱- مواردی که جمله‌های امری در معنی اصلی خود به کار رفته است، مثل:

کعبه روغن‌خانه‌ای دان، روز و شب گاو خراس

گاو پیسه، گرد روغن‌خانه، گردان؛ آمده

(۶۳/۱۱۸)

موارد دیگر: ۱۱/۳ و ۶۶ و ۴۵، ۷۰/۱۱، ۲۰/۱۶، ۲۵/۴۳، ۲۶/۵۸، ۴۰/۵۸، ۸۹/۶۳

۵۸/۷۰، ۴۴/۸۲، ۳۲/۸۶، ۵۰/۸۶، ۲۳/۹۱، ۵۳/۱۰۲، ۱۵/۱۰۳، ۸/۱۱۲، ۷۷/۱۱۸، ۸/۱۲۰

۵۲/۱۲۱، ۵۳/۳۴، ۶/۱۱۲، ۷۹/۱۱۸، ۳/۷، ۲۴/۷۹، ۱۴/۸۰، ۱۳/۱۰۰.

۳-۲- مواردی که جملات امری در معنایی غیر از امر به‌کار رفته است:

۱- عبرت

خاقانی! از این درگه دریوزه عبرت کن؛

تا از در تو زین پس، دریوزه کند خاقان

(۳۶/۹۷)

موارد دیگر: ۳۲/۳، ۳۶/۴، ۴۱/۱۰، ۲۵/۳۶، ۸۷/۳۸، ۱۰۰/۵۷، ۱/۹۷، ۷۹/۱۱۹.

۲- دعا

یا رب! از این حبسگاه، باز رهانش؛ که هست

شروان شرّالبلاد؛ خصمان شرّالدواب

(۶۵/۱۳)

موارد دیگر: ۶۲/۳، ۶۴/۳، ۶۵/۳، ۶۵/۴، ۳۰/۱۷، ۷۳/۲۱، ۷۴/۲۱، ۸۷/۳۲، ۸/۳۲، ۳۴/۳۴، ۷۲/۳۴، ۵۴/۳۵، ۳۳/۴۹، ۶۶/۵۶، ۹۴/۶۲، ۴۱/۶۷، ۴۴/۷۶، ۱۵/۸۸، ۵۸/۹۰ تا ۶۰، ۴۲ و ۴۱/۹۱ و ۲۶/۹۳ و ۶۹ و ۴۵/۹۵ و ۱۱۱، ۶۷/۵۶، ۶۸/۵۶، ۱۳/۱۱۷.

۳- آرزو و تمنا

در من نظری بکن؛ که خورشید

بسیار نظر کند به ویران

(۸۶/۹۵)

موارد دیگر: ۶۰/۳، ۳۴/۸۶، ۳/۱۲، ۲۳/۶۶، ۲۰/۱۲، ۲۰/۱۴ تا ۱۶، ۵۱/۵۶ تا ۶۲، ۵۳/۵۱، ۱/۱۲، ۳۷/۴۰، ۲۲/۴۳، ۳۴/۷۹، ۱۲/۹۷، ۳۳/۱۱۷، ۸۲/۱۱۸، ۲۸/۱۲، ۳۲/۹۰، ۶۱/۹۰، ۳/۹۲، ۱۷/۴۳، ۶۴/۱۱۴، ۳۰/۱۱۹.

۴- تقاضا و درخواست و خواهش

جام طرب کش؛ که صبح کام برآمد

خنده صبح از دهان جام برآمد

(۱/۳۴)

موارد دیگر: ۲۹/۱۲، ۵/۱۲، ۵۱/۱۷ تا ۵۵، ۲۹/۱۲، ۶۶/۱۳، ۳۴/۱۴، ۳۶/۱۴، ۵۳/۱۵، ۵۴/۲۱، ۱۲/۲۴، ۱/۳۴، ۴/۳۴، ۱۱/۳۴، ۳۹/۴۰، ۱۹/۴۳، ۲۰/۴۳، ۲۳/۴۳، ۳۱/۴۳، ۹/۴۵، ۴۶/۴۵، ۱۶/۴۸، ۱۸/۴۸، ۲۹/۴۸، ۲۲/۵۰، ۱۲/۵۷، ۱۶/۵۸، ۳۳/۵۸، ۱/۵۹، ۸۳/۶۲، ۲۲/۷۰، ۵۷/۶۳، ۲۲/۷۰، ۳۰/۷۵، ۶۷/۷۵، ۳۶/۷۹، ۲۳/۸۰، ۱۴/۹۰، ۲۱/۹۰، ۲۳/۹۰، ۶/۹۷، ۹/۹۷، ۱۸/۹۷، ۳۰/۹۷، ۷/۱۰۰، ۸/۱۰۱، ۱۹/۱۰۲، ۹/۱۰۴، ۲۹/۱۰۸، ۴۰/۱۰۸، ۱۲/۱۱۳، ۱۶/۱۰، ۷۴/۲۶، ۲۹/۴۳، ۱۷/۸۰، ۱۸/۸۰، ۲۸/۹۱، ۲/۹۷، ۲۰/۱۰۰، ۲/۵۱، ۳/۵۱، ۴/۵۱، ۵/۵۱، ۶/۵۱، ۷/۵۱، ۳۳/۴۸، ۳۸/۹، ۹/۵۱، ۱۰/۵۱، ۱۱/۵۱، ۱۲/۵۱، ۱۳/۵۱، ۲۷/۴۸، ۱۸/۴۳، ۴۸/۷۹، ۵۱/۷۹، ۱۰/۸۵، ۱۱/۸۵، ۲۰/۹۲، ۳۴/۱۰۸ تا ۳۶، ۳۴/۱۱۳، ۱۸/۱۱۹، ۲۲/۱۱۹، ۵۵/۱۱۹، ۵۷/۱۱۹، ۶۲/۱۱۹، ۲۶/۱۲۱، ۱۹/۱۲۳، ۶۵/۱۲۴، ۳۴/۱۲۴، ۱۲/۱۲۸.

موارد دیگر: ۹۰/۶۵، ۵/۴، ۳۴/۴، ۱۰/۲۹، ۶/۳۳، ۲۹/۳۳، ۳۱/۳۳، ۳۲/۳۳، ۳۱/۴۸، ۴۰/۵۷، ۹۱/۶۵، ۹۲/۶۵، ۱۱/۹۲.

۸- تعجب و شگفتی

طاووس بین که زاغ خورد؛ و آنگه از گلو

گاورس ریزه‌های مُنقا برافکند

(۳۸/۴۳)

موارد دیگر: ۲۴/۶۳، ۱۴/۱۱، ۷/۱۵، ۱۶/۲۴، ۲/۳۴، ۴۸/۳۸، ۱۲/۴۰، ۳۴/۴۰، ۵/۴۳، ۷۳/۴۳، ۴۳/۴۳، ۴۱/۴۳، ۳۸/۴۳، ۳۷/۴۳، ۴/۴۵، ۴۱/۴۸، ۵۱/۴۸، ۱۴۴/۵۷، ۱۷۳/۵۷، ۳۲/۶۱، ۱۲/۵۹، ۴۷/۶۲، ۷/۶۳، ۲۹/۶۳، ۴۶/۸۵، ۱۹/۱۰۷، ۲/۱۱۲، ۵/۱۱۳، ۹/۱۱۳، ۲۰/۱۱۳، ۲۴/۱۱۳، ۷۲/۱۱۳، ۱۶/۱۱۴، ۲۸/۱۱۴، ۶۳/۱۱۴، ۵/۱۱۵، ۱۹/۱۱۵، ۲/۱۱۷، ۵/۱۱۷، ۱۶/۱۱۷، ۱۷/۱۱۷، ۳۹/۱۱۷، ۴۳/۱۱۷، ۴۷/۱۱۷، ۳۵/۱۱۸، ۶۴/۱۱۸، ۹۸/۱۱۸، ۵۰/۱۲۳، ۲۸/۱۲۴، ۲۹/۱۲۴، ۳۹/۱۲۴، ۷۳/۱۲۴، ۸۰/۱۲۴، ۸۵/۱۲۴، ۵/۱۲۵، ۴۸/۳۷، ۴۷/۱۱۳، ۵۱/۱۱۳، ۱۴/۱۱۵، ۳۲/۱۱۵، ۹/۱۱۶، ۲۲/۱۱۷، ۲۸/۱۱۷، ۳۱/۱۱۷، ۴۶/۱۱۷، ۱/۱۱۸، ۲۴/۱۱۸، ۷۵/۱۱۸، ۲۵/۳۸، ۴۳/۱۱۵، ۴۷/۱۱۵، ۷۷/۱۱۵، ۲۶/۱۱۷.

۹- استهزا و تحقیر

حاسدانم چون هدف بین کاغذین جامه؛ که من

تیر شحنه از پی آمن شبان آورده‌ام

(۷۰/۷۰)

موارد دیگر: ۲۲/۴۴، ۱۴۰/۴۳، ۱۳/۴۶، ۵۶/۶۵، ۸/۱۰۴.

۱- استرحام

آیا شهان زمانه عیال شَفقت تو!

به حال من نظری کن، زدیدۀ اشفاق

(۲۶/۶۶)

۱۱- پند و اندرز

بئر طناب هوس، پیش از آن‌که ایامت

چهار میخ کند، زیر خیمه خضرا

(۲۵/۳)

موارد دیگر: ۵۶/۹۰، ۱/۹۱، ۲۸/۲، ۲۳/۲، ۲۶/۳، ۳۷/۳، ۶/۴، ۹/۴، ۱۰/۴، ۱۳/۴، ۱۷/۴، ۲۰/۴، ۲۱/۴، ۴۴/۴، ۴۶/۴، ۹/۱۱، ۲۵/۱۱، ۱۹/۳۶، ۲۳/۳۶، ۲۸/۴۳، ۲۱/۴۸، ۸۶/۶۲، ۸۷/۶۵، ۶۹/۶۵، ۸۷/۶۵، ۸۹/۶۵، ۸۶/۶۵، ۹۳/۶۵، ۱۰۸/۶۵، ۸/۶۷، ۱۸/۶۷، ۴۳/۶۸، ۵/۹۰، ۲۶/۹۰، ۲۷/۹۰، ۲۸/۹۰، ۵۲/۹۰، ۵۴/۹۰، ۵۵/۹۰، ۵۷/۹۰، ۱۶/۹۱، ۲۱/۹۱، ۴۰/۹۱، ۱۶/۹۲، ۲۲/۹۲، ۳۰/۹۲، ۳۴/۹۲، ۳۸/۹۲، ۴۲/۹۲، ۴۳/۹۲، ۵۱/۹۲، ۶۷/۹۲، ۴/۹۸، ۱۰/۹۸، ۵/۹۸، ۱۳/۹۹، ۴/۱۰۰، ۵/۱۰۰، ۸/۱۰۰، ۲۰/۱۰۰، ۵۴/۱۰۲، ۵۷/۱۰۴، ۲۷/۱۰۵، ۲۸/۱۱۹، ۷/۱۲۱، ۱۶/۱۲۱، ۲۳/۱۲۱، ۲۵/۱۲۱، ۲۹/۱۲۱، ۴۸/۱۲۱، ۴۷/۱۲۱، ۴۶/۱۲۱، ۴۴/۱۲۱، ۳۶/۱۲۱، ۳۱/۱۲۱، ۵۱/۱۲۱، ۷۵/۱۲۱، ۷۶/۱۲۱، ۷۸/۱۲۱، ۱۱/۱۲۱، ۵۴/۱۲۴، ۳۵/۱۲۸، ۱۴/۱۲۸، ۴۹/۱۲۸، ۵۰/۱۲۸، ۵۱/۱۲۸، ۵۲/۱۲۸، ۵۳/۱۲۸، ۵۴/۱۲۸، ۱۹/۳، ۷۴/۶۵، ۱۹/۶۷، ۲/۱۰۰، ۳۸/۱۲۱، ۱۴/۱۲۴، ۳۱/۲، ۱۵/۱۲۶، ۱/۹۰، ۳۲/۲، ۶۴/۲، ۱۲/۳، ۴۳ و ۴۱/۴، ۴۷/۴، ۲۴ و ۲۵/۵، ۳۰/۱۶، ۷۳/۳۴، ۱۲/۳۳، ۲۴/۱۱.

۱۲- تعظیم و عظمت و بزرگی

نام او چون تاج اعظم تاج اسما دان؛ از آنک

حلقه میم منوچهر است طوق اصفیا

(۲۱/۷)

موارد دیگر: ۷/۱۰، ۸/۱۰، ۱۶/۱۱، ۶۹/۳۸، ۱۰۸/۴۷، ۳۹/۵۵، ۴۱/۶۱، ۱۰۶/۶۲، ۷۶/۷۰، ۸۷/۶۳، ۸/۷۰، ۵۲/۸۰، ۱۵/۹۰، ۵۸/۹۳، ۳۰/۹۶، ۷/۱۱۸، ۸۰/۱۱۸، ۵/۷۰، ۷۶/۷۰، ۱۶/۴۴، ۷۲/۳۷، ۹۱/۴۰، ۴۳/۹۳، ۴۴/۹۳.

۱۳- هشدار

نگر، چگونه نگه داریم ز نحسِ وبال!

که در حریمِ جلالت، همی به زنه‌ارم

(۳۶/۷۶)

موارد دیگر: ۱۲/۱، ۸/۳، ۴۱/۳، ۳۰/۹۱، ۱۲/۹.

۱۴- تأسف و اندوه

وی مشتری! ردا بنه از سر؛ که طیلسان

در گردن محمد یحیی طناب شد

(۲۵/۳۳)

موارد دیگر: ۲۷/۳۳، ۲۸/۳۳، ۳۳/۳۳، ۱۸/۱۰۰، ۲۰/۱۱۹.

۱۵- بشارت

مژده ده، ای تاجور! که «ینصُرک الله»

فال تو از مُصَحَف دوام برآمد

(۳۵/۳۴)

موارد دیگر: ۱/۱۰۳، ۹۷/۳۹.

۱۶- مشروط

زبانِ مرغان خواهی، طنین چرخ شنو

در سلیمان جویی، به صدر خواجه شتاب

(۲/۱۵)

موارد دیگر: ۲۸/۴۸، ۳۲/۶۵.

۱۷- تضرع برای همدردی

صبحگاهی سر خوناب جگر بگشایید

ژاله صبحدم از نرگس تر بگشایید

(۱/۵۳)

موارد دیگر: ۲/۱، ۴۲/۱۱۹، ۴۳/۱۱۹، ۴۴/۱۱۹، ۵۶/۱۱۹، ۵۳/۵۳، ۶/۵۳ الی ۸۷.

۱۸- اغراق

راز سلیمانی شنو؛ زان مرغ روحانی شنو

اشعار خاقانی شنو، چون دُر شهوار آمده

(۲۵/۱۱۷)

موارد دیگر: ۶/۷۰، ۱۲/۹۳، ۲۷/۱۱۷، ۴۲/۱۱۷، ۷/۴۸، ۲/۵۵، ۵۴/۵۷، ۲۰/۶۱، ۳۰/۵۹،

۱/۶۳، ۱۰۰/۱۱۸، ۱۶/۸۹، ۲۰/۱۰۲.

۱۹- تعریف و تمجید

چون دعوتِ مسیح شُمر شاخِ بختِ او

هر روز عید تازه، از آن، می‌دهد برش

(۹۴/۶۳)

نیز: ۳/۱۰۵.

۴- جملات نهی

۴-۱- مواردی که جملات نهی در معنای اصلی خود به کار رفته است، مانند:

صورت نمای شد رخ خاقانی از سرشک

رخسار او نگر، صنما منگر آینه

(۸/۱۲۰)

موارد دیگر: ۱۳/۲، ۲۴/۱۲، ۷/۵۹، ۸۹/۶۳، ۴۷/۷۷، ۸/۱۲۰، ۲۶/۱۲۰، ۲۴/۴۳، ۷۳/۱۱

۶/۲.

۴-۲- مواردی که جملات نهی در معنایی غیر از نهی دستوری به کار رفته است:

۱- تمنا و آرزو

مرد بُود کعبه جوی؛ طفل بُود کعب باز

چون توشدی مردِ دین، روی زکعبه متاب

(۹/۱۳)

نیز: ۱۰/۱۲.

۲- دعا

کافر و مست همی خوانی خاقانی را

کس میناد، چو تو مؤمن و هشیار مرا

(۳۰/۱۲)

نیز: ۷۵/۷

۳- ارشاد

چون وحش، پای بست سپهر و زمین مباح؛

منگر و طای ازرق و مگزین غطای خاک

(۱۲/۶۷)

موارد دیگر: ۹/۳، ۹/۶۷، ۲۲/۲، ۶۸/۶۵، ۷۴/۶۵، ۸۲/۶۵، ۱۲/۶۷، ۵/۲، ۷۷/۵۷.

۴- تهدید و تحذیر

مساز عیش؛ که نامردم است طبع جهان

مخور کرفس؛ که پُرکژدم است صحن سرا

(۳۳/۳)

موارد دیگر: ۴۰/۱۰، ۹/۹۰، ۲۱/۹۲، ۱۷/۱۰۰، ۵۸/۷، ۵۹/۵۷، ۱۵/۸۹، ۶۹/۸۹، ۱/۱۰۳،

۲۸/۵، ۳۱/۵، ۳۵/۳۳، ۶۰/۵۷، ۵۱/۵۷، ۴۸/۶۲، ۹۸/۶۵، ۶/۷۶، ۱۵/۱۰۰، ۱۶/۱۰۰،

۲/۱۱۰.

۵- تشویق و ترغیب

خاقانیا! ز غـرش بیهوده‌شان مترس

کز آب و نار، هیچ ندارد سحابشان

(۳۵/۸۷)

موارد دیگر: ۲۵/۵۷، ۳۵/۸۷، ۴۴/۹۵، ۴۲/۴، ۲۰/۳۶.

۶- امر

گوییم: «حجّ تو هفتاد و دو حج بود، امسال»

این چنین سؤفته مکن تعبیه در بار، مرا

(۶/۱۲)

موارد دیگر: ۲۸/۱۶، ۱۸/۵۶، ۲۰/۱۶، ۶۱/۹۴.

۷- تقاضا و درخواست و خواهش

مگذار کآتشی شده؛ برجان ما زند

این هجر کافر توکه آفت رسان ماست

(۷/۱۹)

موارد دیگر: ۵۰/۱۵، ۳/۱۴، ۵۳/۱۵، ۵۱/۱۵، ۵۲/۱۵، ۶۱/۲۱، ۱۰۴/۲۲، ۲۴/۳۳،

۳۳/۴۰، ۱۵۲/۵۷، ۹۳/۶۳، ۲۸/۶۶، ۳۷/۶۶، ۱۹/۸۰، ۲۰/۸۵، ۴۰/۸۶، ۲۰/۹۰، ۲۴/۹۰،

۲۰/۹۲، ۱۶/۹۳، ۸۳/۹۵، ۸۱/۱۱۳، ۱۹/۱۱۹، ۶۲/۱۱۹، ۲۸/۱۲۰، ۶۸/۱۲۸، ۷۴/۱۱

۲۰/۱۴، ۲۱/۴۳، ۷۲/۹۵، ۷۷/۹۵، ۱۷/۹۸، ۳۷/۸۷، ۱۰/۸۸، ۴۰/۹۲، ۴۰/۹۷، ۸/۱۲

۸- بشارت

هم خود، به دست لطف، جوابم نوشت و گفت:

«خاقانیا! مترس که جان تو جان ماست»

(۸/۱۹)

۹- هشدار

چون به نابود دل قرار گرفت

بود یک‌هفته را محل منهد

(۳/۵۲)

موارد دیگر: ۴/۵۲ تا ۳۳، ۱۵/۹۱، ۱/۹۲، ۱۰/۱۲۴، ۳۰/۳، ۱۶/۹۹، ۹/۱۰۲، ۱/۱۱۰،

۷/۱۲۰، ۱/۱۲۱، ۱۹/۴.

۱۰- اندرز

سودای این سواد مکن، بیش، دردِ ماغ

تکلیف این کثیف منه، بیش، بر روان

(۴/۹۰)

موارد دیگر: ۲۰۸/۵۷، ۱۹/۶۷، ۴/۹۰، ۴/۹۱، ۲۹/۹۱، ۲/۱۰۰، ۴۴/۱۰۳، ۳۴/۱۱۳،

۱۵/۳، ۴۴/۵، ۲۲/۱۶، ۳۵/۱۰۳، ۶۲/۵۷، ۵۴/۶۵، ۲۵/۹۰، ۴/۹۳، ۲۹/۳، ۱۰/۱۱، ۵۰/۶۵،

۸۳/۶۵، ۸۵/۶۵، ۱۱/۹۰، ۶/۹۳، ۱۰/۹۸، ۴۳/۱۰۳، ۲۶/۲، ۷/۹۰.

۵- تحلیل و نتیجه

از اشعار خاقانی چنین بر می‌آید که وی دانشمندی است که بر غالب علوم زمان خود تسلط دارد، فهم اشعار وی نیز از خواننده همپایگی علمی می‌طلبد، در عین حال به تأثیر شعرش در خواننده اعتقاد دارد. تکیه بر دانش، با اعتقادی که شاعر به تأثیر کلامش بر خواننده دارد فاصله‌اش چنان است که متناقض به نظر می‌رسد؛ خاقانی این فاصله را با کمک گرفتن از بلاغت خصوصاً دانش معانی کم کرده است. بسامدهای مختلف نقش‌های معنایی جملات انشایی نشان می‌دهد خاقانی با استفاده از علم معانی و کاربرد به‌جا و به موقع جملات امر، نهی و پرسشی، به صورت‌های متفاوت علاوه بر آنکه توانایی خود را در تمام این فنون به نمایش می‌گذارد، مخاطب را نیز به زیبایی آگاه می‌کند و طریق درست را به او می‌آموزد. جدول (۴-۱) نشان می‌دهد ۶۲۵ بیت حاوی جمله پرسشی است که پرسش‌های ۲۷ بیت آن دارای معنی اصلی پرسشی هستند. در این ۲۷ مورد، پرسش‌ها غالباً با «گفتم» و «گفتا» شروع می‌شود که حاصل یک گفتگو است. در باقی موارد، پرسش در معنی ثانوی به کار رفته است که به ترتیب درصد فراوانی به این شرح است: مقوله معنایی نهی (۱۰۰) استفهام انکاری (۶۷)، تقریر و جلب توجه (۴۸)، استفهام تقریری (۴۱) و توییح و سرزنش (۴۰) مورد است. خاقانی

در جمله‌های پرسشی معنی ثانوی نهی و انکار را بیش از سایر موارد به کار برده است. نهی کردن یا انکار چیزی، اثبات چیز دیگر است. خاقانی بسیار ظریف و زیرکانه از این قاعده استفاده کرده است. او برای اثبات عقاید خود، خواننده را از عقاید رایج و نادرست باز می‌دارد. جملات پرسشی را برای نهی از آز و طمع مردمان یا اندرز و نصیحت و گاه دل‌ن بستن به جهان‌ناپایدار و موارد دیگر به کار می‌برد؛ گویی مسئولیت او این است که با پرسش، مردمان را با معیارهای انسانی آگاه کند و آنها را در راه رسیدن به سعادت و رستگاری هدایت کند. بیشترین درصد فراوانی جملات پرسشی بعد از نهی و استفهام انکاری، مقوله تأکید و تقریر خبر است، قصد شاعر در این موارد، برجسته‌سازی پیام‌ها برای مخاطب است. اشعاری که خاقانی در مرثیه و سوگ سروده، از جمله اشعار تأثیرگذار و ماندگار اوست، وی در عین حال در جمله‌های پرسشی نیز این احساس و اندیشه مؤثر را تکرار می‌کند همچنانکه بسامد مقوله‌های معنایی چون ملامت و سرزنش (۴۰)، عجز و ناتوانی (۳۶)، یأس و ناامیدی (۱۹) و دریغ و افسوس (۱۹ مورد) قابل توجه است و نشان می‌دهد که حکیمی است آگاه به دردها نه فقط درد جامعه، بلکه درد انسان و جهان درونی او را نیز به صورت عمیق می‌شناسد. مخاطب سرزنش‌های او، گاه جهان است «گفتم» ای چرخ: این چنین چون کرده‌ای؟ و گاه انسان زود باوری که به خوشی‌های زودگذر، دل خوش است و گاه خود اوست «ز کی تا به کی پای بست وجودم؟» ناامیدی و دریغ و افسوس و عجز و ناتوانی او برخاسته از غم و اندوهی تنها نیست که ریشه در دانایی او دارد وقتی جهان را «دامگاه دیو و ستور»، «سردسیر ظلمت» و «خشک آجر آخر زمان» می‌داند، چگونه احساس خشنودی و رضا داشته باشد؟ او با طرح پرسش، سعی می‌کند روح مرده جامعه را بیدار کند و گاه با تشویق‌هایش در قالب پرسش دست به این کار می‌زند. او به هر دری می‌زند و از هر راهی وارد می‌شود تا مردم را آگاه کند. کمترین موارد کاربرد جملات پرسشی را در

مفهوم ثانوی اعتراض و سرکشی (۱مورد) و تحذیر (۲مورد) می‌بینیم. کاربرد محدود این مقوله‌ها به سبب عدم تناسب ساختاری این مفهوم با جمله پرسشی است. این مطلب با مراجعه به جملات نهی که کاربرد بیشتری برای این موارد دارد اثبات می‌شود و گر نه هشدار و تحذیر از اندیشه‌هایی است که خاقانی در قصاید خود بر آن تأکید می‌کند ولی این معنا بیشتر در ساختار نهی و امر کاربرد دارد.

چنان‌که در جدول شماره (۴-۲) نشان داده شده بیشترین مورد کاربرد جملات امری در مقوله تقاضا و درخواست و خواهش است. ممکن است به ذهن خواننده چنین متبادر شود که خاقانی شاعر مداحی است که برای طلب صله و پاداش از ممدوحان، دست دراز کرده است. اما اشعارش خلاف این را بیان می‌کند. او با همان بلندنظری خود که تخلص پرطمطراق خاقانی را برمی‌گزیند همچنان در اوج و بلندای شکوه خود به ممدوحانش می‌نگرد و شاهانه طلب دارد. ۶۳ مورد ابیات درخواست و طلب در قصیده‌ای است که در سوگ و بیماری فرزندش سروده است (قصیده ۵۱) خاقانی بلند سخن که به دشوارگویی و پیچیده‌گویی زبانزد است، رگ‌های دل و جان خود را در مرثیه فرزندش می‌گشاید و به زبان احساس و عاطفه روی می‌آورد. این ابیات را زمانی می‌سراید که در ماتم جگرگوشه‌اش دردمند و خسته‌جان و شکسته دل است بدین سبب از مخاطب طلب کمک و همدردی دارد. درصدی از ابیات امری درخواست و طلب برای اغتنام فرصت است؛ خاقانی مانند دیگر شاعران رسالت خود می‌داند تا مخاطب را بی‌اگاهاند که عمر گذرا است، قدر عشق، زمان و فرصت‌ها را بداند و از آن بهره‌مند گردد. خاقانی از وضعیت اجتماعی دوران خود ناخشنود است. از آنجا که بدی و ناجوانمردی رواج دارد و نیکی و خوبی کمتر دیده می‌شود و ارزش‌های اخلاقی در معرض نابودی قرار گرفته است، این زشتی‌ها او را می‌آزارد و این ناراحتی و نگرانی و شکایت از ناملایمت‌های زندگی در گفته‌ها و سروده‌هایش به وضوح دیده می‌شود از

این رو دومین درصد این مقوله به پند و اندرز (۱۱۹ بیت) اختصاص دارد. درصد بعدی این جملات را به مقوله تشویق و ترغیب (۱۱۸ بیت) اختصاص داده است. خاقانی که همیشه رنج غرابت در معنی و دوران‌دیشی و باریک‌بینی را به طبع خود تحمیل کرده، به بعد روحانی و متعالی انسان توجه می‌کند و همیشه در پی آن است که امید ببخشد و قدرت حرکت را به مخاطب بدهد، انسان را برای رسیدن به آرمانها و اهداف بزرگ متعالی انسان تشویق و ترغیب می‌کند. کمترین موارد کاربرد جملات امری را در مفهوم استرحام و تعجیز هر کدام (۱ بیت)، تعریف و تمجید و مشروط و بشارت هر کدام (۳ بیت) است. خاقانی شاعری مداح است و گاهی برای تعریف از ممدوحان زبان به مدح می‌گشاید و از آنها تعریف و تمجیدهایی که همراه با اغراق هستند، بیان می‌دارد ولی از این ساختار در جملات امری کمترین استفاده را کرده، این نیز به خاطر عدم تناسب ساختاری این مفهوم با جمله امری است.

نتیجه آماری جملات نهی - چنانکه در جدول شماره (۴-۳) نشان داده شده - بیانگر این است که بیشترین کاربرد جملات نهی در مقوله هشدار (۴۲ بیت) است. این نحوه کاربرد هم کاملاً متناسب با شخصیت خاقانی است. اکثر هشدارهای او برای بیداری و اصلاح جامعه و برای هدایت مردم به راه راست است. خاقانی با هشدار و تحذیر، مردم را می‌آگاهاند. اگر از جملات نهی استفاده می‌کند برای تأثیرگذاری بیشتر است. باید وسیله‌ای باشد که به آن متوسل شود و پشتوانه‌ای که به آن تکیه کند. خاقانی بهترین راه حل را وارد شدن به حوزه هشدار می‌داند. دومین داده‌های آماری نهی همانند جملات امری در مقوله تقاضا و درخواست (۴۰ بیت) است. شاعر در جملات نهی، درخواست و طلب می‌کند اما بسیار زیرکانه و بزرگ مناشانه درخواست می‌کند. کمترین کاربرد جملات نهی در مقوله بشارت است که با توجه به ساختار جملات نهی آوردن این جملات در قالب بشارت زیاد مناسب نیست.

با استناد به داده‌های آماری جدول شماره (۴-۴) بیشترین جملات انشایی قصاید خاقانی از نظر تعداد، جملات امری هستند. خاقانی از جملات امری و معانی ثانوی آنها برای رسیدن به اهداف متعدد استفاده می‌کند. با توجه به وسعت دایره تخیل و تلاطم معانی که در ذهن او بوده و همچنین دید عمیق و شناخت دقیق خاقانی از حوزه زندگی اجتماعی آن دوره و فضای سیاسی حاکم، در قصاید خود که بیشتر در مدح شاهان و بزرگان بوده از جملات امری استفاده نموده است. خاقانی با آگاهی و هشیاری خارق العاده از جملات امری (۷۴۹ بیت) در مقوله‌های معنایی متفاوت از جمله پند و اندرز (۱۱۹) و درخواست و طلب (۱۳۷)، تشویق و ترغیب (۱۱۸) و ... بهره گرفته است. با توجه به بررسی‌های انجام شده، استفاده از جملات امری مربوط به قصاید «موعظه و حکمت» بیشتر در مقوله معنایی ارشاد هستند و برای انتقال پیام از مفاهیم دینی و قرآنی نیز بهره گرفته است. زمانی که شاهان و بزرگان مخاطب او هستند، از جملات امری بهره می‌گیرد که بیشتر آنها در مقوله معنایی پند و نصیحت باشد و آنها را از دنیا و دل بستن به آن منع می‌کند. خاقانی شخصی حکیم و آگاه است و طریقه برخورد با بزرگان را نیز بخوبی می‌داند. آن زمان که شاهان و بزرگان مخاطب او هستند و آنها را مدح می‌کند، از جملات امری به بهترین وجه بهره می‌گیرد و در این قالب آنها را نصیحت می‌کند. نصیحت‌های او بیشتر در حوزه معنایی ناپایداری دنیا، و منع از دل‌بستگی به آن است و گاه مانند یک واعظ یا فقیه آگاه به مسائل دینی، سعی می‌کند مخاطب را ارشاد و هدایت نماید و گاهی از تشویق و گاهی از تهدید و تحذیر استفاده می‌کند. مخاطب را تشویق به نیکوکاری می‌کند؛ از ظلم و ستم برحذر می‌دارد و گاه با تحذیرهایش زنگ خطر را به صدا در می‌آورد تا مخاطب به بیداری روحی و فکری برسد. اما زمانی که مثل عامه مردم با غم و اندوه روبه‌رو می‌شود به زبان ساده و عاطفی روی می‌آورد تا همه را با خود همراه سازد.

معانی ثانوی جملات پرسشی

ردیف	مقوله معنایی	تعداد آیات	درصد
۱	نهی	۱۰۰	۱۶
۲	استفهام انکاری	۶۷	۱۰/۸۸
۳	برای تأکید و تقریر خبر و جلب توجه	۴۸	۷/۶۸
۴	استفهام تقریری	۴۱	۶/۵۶
۵	توبیخ و ملامت و سرزنش	۴۰	۶/۴
۶	بیان عجز و ناتوانی	۳۶	۵/۷۶
۷	بیان تعجب و حیرت	۲۸	۴/۴۸
۸	اغراق	۲۷	۴/۳۲
۹	منافات و استبعاد	۲۷	۴/۳۲
۱۰	معنی ثانویه ندارد	۲۷	۴/۳۲
۱۱	نفی مطلق	۲۵	۴
۱۲	طنز و مسخره و تحقیر	۲۴	۳/۸۴
۱۳	اظهار یأس	۱۹	۳/۰۴
۱۴	دریغ و افسوس	۱۹	۳/۰۴
۱۵	بیان عظمت و تعظیم	۱۴	۲/۲۴
۱۶	امر به طریق غیر مستقیم	۱۳	۲/۰۸
۱۷	تنبه و عبرت	۱۱	۱/۷۶
۱۸	تشویق	۱۰	۱/۶
۱۹	تمنا و آرزو	۷	۱/۱۲
۲۰	تجاهل مفید اغراق	۷	۱/۱۲
۲۱	فخر و مباهات	۷	۱/۱۲
۲۲	بیان کثرت	۶	۰/۹۶
۲۳	اخبار به طریق غیر مستقیم	۶	۰/۹۶
۲۴	جواب شرط	۳	۰/۴۸
۲۵	اثبات عقیده خود و بطلان عقیده مخاطب	۳	۰/۴۸
۲۶	مشروط	۳	۰/۴۸
۲۷	اظهار امیدواری	۲	۰/۳۲
۲۸	بلا تکلیفی	۲	۰/۳۲
۲۹	تحدیر	۲	۰/۳۲
۳۰	اعتراض و سرکشی	۱	۰/۱۶
	مجموع	۶۲۵	

(جدول شماره ۴-۱)

معانی ثانوی جملات امری

درصد	تعداد ابیات	مقوله معنایی	ردیف
۱۸/۲۹	۱۳۷	تقاضا و درخواست و خواهش	۱
۱۵/۸۸	۱۱۹	پند و اندرز	۲
۱۵/۷۵	۱۱۸	ترغیب و تشویق	۳
۱۲/۰۱	۹۰	تضرع برای همدردی	۴
۱۰/۱۴	۷۶	تعجب و شگفتی	۵
۴/۲۷	۳۲	آرزو و تمنا	۶
۴/۱۳	۳۱	دعا	۷
۳/۷۳	۲۸	امر مطلق	۸
۳/۸۶	۲۹	ارشاد	۹
۳/۲۰	۲۴	تعظیم و عظمت و بزرگی	۱۰
۲/۰۰۲	۱۵	تهدید و تحذیر	۱۱
۱/۸۶	۱۴	اغراق	۱۲
۱/۲	۹	عبرت	۱۳
۱/۸	۶	تأسف و اندوه	۱۴
۱/۸	۶	استهزا و تحقیر و طنز	۱۵
۰/۶۶	۵	هشدار	۱۶
۰/۴	۳	بشارت	۱۷
۰/۴	۳	مشروط	۱۸
۰/۴	۳	تعریف و تمجید	۱۹
۰/۱۳	۱	استرحام	۲۰
	۷۴۹	مجموع	

(جدول شماره ۴-۲)

معانی ثانوی جملات نهی

ردیف	مقوله معنایی	تعداد ابیات	درصد
۱	هشدار	۴۲	۲۴
۲	تقاضا و درخواست و خواهش	۴۰	۲۲/۸۵
۳	اندرز	۲۷	۱۵/۴۲
۴	تهدید و تحذیر	۲۱	۱۲
۵	تشویق و ترغیب	۱۵	۸/۵۷
۶	نهی مطلق	۱۱	۶/۲۸
۷	ارشاد	۹	۵/۱۴
۸	امر	۵	۲/۸۷
۹	تمنا	۲	۱/۱۴
۱۰	دعا	۲	۱/۱۴
۱۱	بشارت	۱	۰/۵۷
	مجموع	۱۷۵	

(جدول شماره ۴-۳)

جملات انشایی قصاید خاقانی

ردیف	مقوله معنایی	تعداد ابیات	درصد
۱	امر	۷۴۹	۴۸/۳۶
۲	پرسشی	۶۲۵	۴۰/۳۴
۳	نهی	۱۷۵	۱۱/۳۰
	مجموع	۱۵۴۹	

(جدول شماره ۴-۴)

منابع و مأخذ

الف) کتابها:

- ۱- خاقانی شروانی (۱۳۶۸)، دیوان، به کوشش ضیاء الدین سجادی، چاپ سوم، تهران: انتشارات زوار.
- ۲- _____ (۱۳۷۵) دیوان، ویراسته میر جلال الدین کزازی، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- ۳- رجائی، محمد خلیل (۱۳۷۲) معالم البلاغه، چاپ سوم، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- ۴- شمیسا، سیروس (۱۳۷۳) معانی، چاپ دوم، تهران: نشر میترا.
- ۵- _____ (۱۳۷۹) بیان و معانی، چاپ دوم، تهران: نشر میترا.

ب) مقاله

- ۱- رحیمیان، جلال، و کاظم شکری احمد آبادی (۱۳۸۱) «نقش‌های معنایی - منظوری جملات پرسشی در غزلیات حافظ»، مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز، دوره هیجدهم، شماره اول، شماره پیاپی ۳۵، صص ۳۴-۱۷.